



LIDA Stories

lidadstories.net

کار پښا کړنې / Finding a job

✎ Espen Stranger-Johannessen
& Sunniva Høyby-Øiset
☞ Sam Saf (fa)



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

کار پښا کړنې

Finding a job



✎ Espen Stranger-Johannessen
& Sunniva Høyby-Øiset
☞ Sam Saf
|| 4
☺ فارسي / English / en



آلیشا باید کار پیدا کند، چون خانواده اش برای غذا و لباس به پول
احتیاج دارند.

...

Alisha needs to find a job because her family
needs money for food and clothes.



اون به خودش افتخر میکنه، چون حالا یک شغل داره و میتونه
پول خودش برای خانواده اش غذا و لباس بخره.

...

She is proud that she has got a job so that she
can buy food and clothes for her family with her
own money.



دفعه بعدی که آلیشا برای یک مصاحبه شغلی به یک رستوران متره،
 بهش یک کی پیتشها میداده. کی سخته. اون فین اغلب، عصره یعنی
 وقتی بچه هاش از مدرسه برمیگردن خونه، سر کی فاشه.
 ...

Next time Alisha goes for a job interview at a
 restaurant, she is offered the job. It is hard
 work. She often has to work in the evening,
 when her children are home from school.



آلیشا در کشور خودش کی نمی کرد، اه آشپزی اون خونه و از حرف
 زدن ب مردم خوشش میاد.
 ...

Alisha did not work in her home country, but she
 is good at cooking and likes talking to people.



تو بتونه تو یه رستوران کار کنه؟ آلیشا تو اینترنت دنبال آگهی های شغلی میگرده.

...

Maybe she could work in a restaurant? Alisha searches on the Internet for job postings.



اون جزئیات دوره اش رو به CV اش اضافه میکنه. CV در زومه، شرح جزئیات تمام شغل های قبلی و همینطور همه کلاس ها و دوره های آموزشی گذرانده شده است.

...

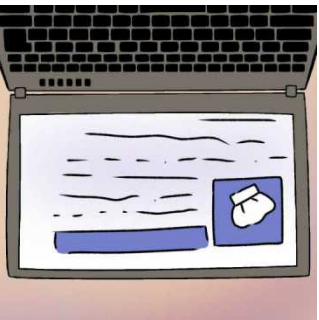
She adds the details of the course to her CV. A CV is a description of all the work she has done and all the courses she has taken.



یک تجربه کاری
آلیشا مجبوره که به عنوان بخشی از دوره آموزشش در یک
رستوران کار کنه. اونجا بهش حقوق نمیدن، اِه اینا یک تجربه کاری
محسوب میشه.

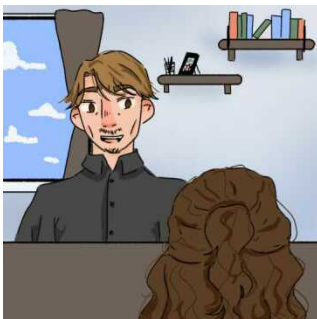
...

Alisha has to work in a restaurant as part of her
training course. She does not get paid, but she
gets work experience.



آگهی
اون به آگهی پیدا می کنه که برای استخدام سرآشپزه. توی آگهی
نوشته که کسی رو می خوان که توی رستوران غذا بپزه.
...

She finds an advert for a chef. That is someone
who cooks in a restaurant.



اون میره واسه مصاحبه شغلی. مدیر رستوران بهش میگه که اون
کسی رو می خوان که بعنوان سرآشپز، آموزش دیده باشه.

...

She goes for the job interview. The restaurant manager tells her they need someone who has trained as a chef.



آلینا امید میشه، اه اون در یک دوره آموزشی بهم «غذا و
مهنداری» ثبت نام میکنه. اون امیدواره که این دوره بتونه بهش
کمک کنه در یک رستوران گر پیدا کنه.

...

Alisha is disappointed, but she takes a course called "Food and hospitality". She hopes this will help her to get a job in a restaurant.